

Research Paper

The Special Position of the First Context in the Process of Discovering the Purpose: Foundations and Assumptions

Javad Salmanzadeh*¹  Mohsen Nouraei²

,

¹ Assistant Professor, Quran and Hadith Sciences, Hakim Sabzevari, Sabzevar, Iran.² Associate Professor, Quran and Hadith Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran.

10.22080/qhs.2023.24880.1163

Received:

June 9, 2024

Accepted:

October 5, 2024

Available online:

March 10, 2025

Extended Abstract

1. Introduction

In modern exegetical studies, the method of "Tadabbor" as an original and efficient system of understanding the Quran is being theorized, methodically developed, and established. Among the many rules of the "Tadabbor", paying attention to the first context of the surah has a decisive position. How much the first context of the surah affects the formation of the content of the surah and in what pattern and arrangement it places the content of the surah are the most important issues raised in the method and system of "Tadabbor". However, before addressing these issues, it is necessary to evaluate the originality and scientific legitimacy of the effect of

the first context on the "Tadabbor" and the discovery of the purpose of the surah to clarify its scientific value. This research aims to examine the scientific foundations and assumptions of these issues to lay the scientific foundations of the problems raised and to pave the way for subsequent research.

2. Study method (Methods)

Documentary and library methods, in which note-taking sampling is used, are effective for conducting such research. In this sense, the documentary method has been used to collect data on the topics. The research method is descriptive and analytical.

*Corresponding Author: Javad Salmanzadeh

Address: Hakim Sabzevari, Sabzevar, Iran.

Email: j.salmanzadeh@hsu.ac.ir

3. Findings (Results)

"Tadabbor" is an efficient and effective method for understanding the Quran and can open new horizons in Quranic interpretations. Of course, this depends on the application of scientific and precise rules and regulations, among which the "special place of the first context" has a decisive effect.

The first context, by revealing all or an important part of the purpose of the surah, contributes significantly to understanding the "Tadabbor" of the surah and orients its continuous structure. This hypothesis is based on accepted propositions, the most important of which are: "the special attention of the infallible Imam (a.s.) to the first context", "theological, linguistic, and scientific value of the first context compared to other contexts", "the audience's expectation to become familiar with the central concept of the surah before any other concept", "the audience's mind is occupied with subsidiary concepts", and "the idea is based on the perspective of the continuity of verses in each surah."

4. Conclusion

Given that the discovery of the purpose of the surah is carried out under the influence of various elements and components, special attention to the first context of the surah can greatly accelerate and refine the discovery of the purpose of the surah. A simple way to reach all or a specific part of

the purpose of the surah is to pay attention to the first context and discover its axis.

The first context has a genuine and important place in the structure of the surah. The idea of "the place of the first context in discovering the purpose of the surah" is based on various narrative, rational, and scientific foundations and assumptions, the most important of which are: the special attention of the infallible Imam (peace be upon him) to the first context, the theological, linguistic, and scientific value of the first context compared to other contexts, the expectation of the audience to become familiar with the central concept of the surah before any other concept, the audience's preoccupation with secondary concepts, and the basis of this idea on the perspective of the continuity of verses in each surah.

Funding

There is no funding support.

Authors' contribution

The article is written by two people.

Conflict of interest

The authors declared no conflict of interest.

Acknowledgments

With thanks to the respected editor and journal staff who played an effective role in the success of the article with their follow-up.

References

The Holy Quran.

Bi-Azar Shirazi, Abdul Karim (1376), The Speaking Quran, Tehran: Islamic Culture Publishing House.

Dehkhoda, Ali Akbar (1994), Dehkhoda Dictionary, Tehran: University of Teh-

ran.Hawi, Saeed (1424), The Foundation of Interpretation, Cairo: Dar al-Salam.

Hurr Ameli, Muhammad ibn Hassan (1414), The Shiite Resources, Qom: Aal-Bayt (AS) Foundation for the Revival of Heritage.

Khamehgar, Muhammad (1386), *The Geometric Structure of the Surahs of the Quran*, Tehran: Islamic Propaganda Organization.

Khamehgar, Muhammad; Naqizadeh, Hassan; Rezaei Kermani, Mohammad Ali (1395), *Validation of Argumentative Discovery Approaches for the Purpose of the Surahs of the Quran*, *Quranic Studies*, Vol. 79, pp. 25-4.

Ossi, Ali (1381), *Allamah Tabatabaei's Method in Interpretation of Al-Mizan*, translated by Seyyed Hossein Mir Jalili, Tehran: International.

Rajabi, Mahmoud (2004), *Method of Interpreting the Quran*, Qom: Research Institute of the Seminary and University.

علمی

جایگاه ویژه سیاق نخست در فرآیند کشف غرض؛ مبانی و پیش‌فرض‌ها

جواد سلمان زاده^{*۱} ID، محسن نورائی^۲ ID^۱ استادیار، علوم قرآن و حدیث، حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.
^۲ دانشیار، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

10.22080/qhs.2023.24880.1163

چکیده

در مطالعات تدبری، غرض سوره با به‌کارگیری عوامل گوناگون شناسایی می‌شود. سیاق نخست از جمله‌ی این عوامل است که در مطالعات پیشین غرض‌شناسی به‌عنوان یک عامل ساده و معمولی قلمداد می‌شده است. حال آنکه این عامل، از رتبه و جایگاهی ویژه در غرض‌شناسی برخوردار است و توان تدقیق و تسریع را در فرآیند کشف غرض دارا می‌باشد. کم‌توجهی به سیاق نخست در فرآیند غرض‌شناسی، این پژوهش را در صدد کشف مبانی «جایگاه ویژه سیاق نخست در فرآیند غرض‌شناسی» قرار داد. این ایده با به‌کارگیری روش توصیفی-تحلیلی، سیاق نخست را به‌عنوان عاملی مهم و اثرگذار در غرض‌شناسی معرفی می‌کند و برخی از مبانی خود را چون «توجه معصوم علیه‌السلام به سیاق نخست»، «ارزشمندتری زبانی سیاق نخست نسبت به دیگر سیاق‌ها» و ... را تبیین می‌نماید.

تاریخ دریافت:

۲۰ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش:

۱۴ مهر ۱۴۰۳

تاریخ انتشار:

۲۰ اسفند ۱۴۰۳

کلیدواژه‌ها:

پیام سوره؛ مقصود سوره؛ موضوع
سوره؛ محور سوره^{*} نویسنده مسئول: جواد سلمان زاده
آدرس: سبزواری، ایران.ایمیل: j.salmanzadeh@hsu.ac.ir

۱ بیان مسأله

سوره‌های قرآن تحت تأثیر نگرش جامع و هدفمند تدبیری، بسته‌های معناداری قلمداد می‌شوند که این معناداری در پرتو کشف ارتباط میان آیات و شناسایی غرض سوره نمایان می‌گردد.

در این نوع نگرش، برای هر سوره، غرضی در نظر گرفته می‌شود که با استفاده از ساختار سوره و موضوعات مذکور در سوره، مورد رهگیری قرار می‌گیرد. در این رهگیری، مطالعه دقیق همه آیات سوره، امری مفروض و اجتناب‌ناپذیر است و برای رسیدن به غرض، لازم است متدبر از آغاز تا پایان سوره را با دقت تمام مطالعه کند و همه موضوعات مذکور را در سوره از ذهن بگذراند که البته تلاشی بهینه و مفید است.

اما مطالعه دقیق همه آیات سوره، ذهن را با موضوعات گوناگون مواجه می‌کند و پراکندگی این موضوعات، تجمع و ترکیب آن‌ها را جهت رسیدن به غرض دشوار و زمان‌بر می‌سازد و این دشواری و زمان‌بری در سوره‌های طولانی فزون‌تر می‌گردد. حال آنکه آغاز فرآیند غرض‌شناسی تحت تأثیر توجه ویژه به سیاق نخست، می‌تواند آمادگی ذهن را جهت تجمع و ترکیب موضوعات و جهت‌دهی آن‌ها به سمت غرض سوره بیشتر کند. درواقع، آغاز فرآیند کشف غرض با بررسی سیاق نخست، بقیه مراحل غرض‌شناسی را جهت‌دهی می‌کند و متدبر را برای شناسایی غرض سوره آماده می‌سازد تا بتواند عناصر اصلی را از عناصر فرعی تشخیص دهد.

با پذیرش این ایده، مفسر می‌تواند با مطالعه دقیق سیاق نخست به جای همه سوره، محور سیاق نخست را به دست آورد و همین محور را به عنوان غرض یا بخشی از غرض در ذهن داشته باشد و با ذهنیت روشن و فعال، بقیه سیاق‌های سوره را مطالعه کند. این ذهنیت فعال، جهت‌دهی و راهبری ویژه‌ای به ذهن تزریق می‌کند و ذهن را در کشف غرض سوره شتاب می‌بخشد. جدای از اینکه ذهن فعال‌شده در سیاق نخست، برانگیخته‌تر از قبل تلاش می‌کند تا هرچه زودتر به غرض سوره دست یابد و ارتباط آن را با محور سیاق نخست بسنجد. گفتنی است که این ایده به دنبال حذف ایده‌ها و نظریه‌های رقیب نمی‌باشد و بلکه مسیر آن‌ها را هموارتر و ساده‌تر می‌نماید.

اما اهمیت سیاق نخست در کشف غرض سوره به همین دو مهم ختم نمی‌شود. بلکه محور سیاق نخست، چنان ابزاری خواهد بود که مفسر را در سر دوراهه‌های کشف غرض و رفع تناقضات احتمالی یاری می‌رساند و به او توان گزینش و انتخاب می‌بخشد.

نظر به اهمیت سیاق نخست در کشف غرض سوره، این پژوهش بر آن است تا ایده «جایگاه سیاق نخست جهت کشف غرض سوره» را در سطح مبانی و پیش‌فرض‌ها به بررسی بنشیند و میزان اعتبار و اثرگذاری آن را سنجش کند. از این‌رو، سؤالاتی چون «سیاق نخست سوره در روایات چه رتبه و جایگاهی دارد؟»، «ارزش سیاق نخست سوره در دانش‌های زبانی تا چه اندازه است؟»، «رهیافت‌های عقلی با سیاق نخست

سوره چه مواجهه‌ای دارند؟» در این مطالعه به بررسی گذاشته می‌شود.

پیشینه

با وجود اهمیت بالای سیاق نخست سوره در مطالعات تدبیری، هنوز مطالعه‌ای ویژه در این زمینه انجام نشده است و مطالعات مرتبط محدود است به کتب و مقالاتی که سال‌هایی پیش و پیشین نگاشته شده‌اند که در سایه نگاه کلی و عمومی به مسائل، از نگاه دقیق و تخصصی بدین مسأله چشم پوشیده‌اند. مهم‌ترین تلاش‌های انجام‌شده در این زمینه عبارت‌اند از:

المیزان فی تفسیر القرآن: در این کتاب، غرض سور مورد توجه ویژه است و مفسر با نگاه وحدت موضوعی، پیش از ورود به تفسیر هر سوره، غرض یا موضوعات مهم سوره را بیان می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶/۱). با وجود این، کارایی سیاق نخست در تشخیص غرض سوره مورد توجه نبوده است و از مبانی نظری آن، سخنی به میان نیامده است.

علوم قرآنی: این کتاب، نظریه «وحدت موضوعی» به معنای هدف‌مندی سور قرآن را به عنوان یکی از ابعاد اعجاز قرآن پذیرفته است (معرفت، ۱۳۸۱: ۴۰۵). این ویژگی سور قرآن مقتضی است که مفسر، پیش از ورود به تفسیر آیات، وحدت جامع حاکم را بر سوره به دست آورد تا به‌خوبی بتواند به مقاصد سوره دست یابد. اما در این اثر، از روش کشف غرض و نقش سیاق نخست در این روش سخنی به میان نیامده است. جز اینکه به قاعده بلاغی «حسن مطلع» اشاره شده است و مطلع سوره را به عنوان مقدمه آن مطرح کرده است (همان: ۴۰۸).

تفاسیری چون «من هدی القرآن»، «تفسیر المراغی» و «الاساس فی التفسیر» از تفاسیر ساختاری هستند که به ساختار و غرض سوره نظر دارند. در برخی از این تفاسیر، برای هر سوره، مدخلی تحت عنوان «الإطار العام للسورة» (مدرسی، ۱۴۱۹: ۹۲/۱) یا «المعنی الجملی» ارائه می‌شود (مراغی، بی‌تا: ۱۶/۱) که تقریباً موضوعات و ساختار سوره در این مدخل گزارش می‌شود. این موضوعات و ساختار به کشف غرض سوره خیلی کمک می‌کنند. تفسیر «الاساس فی التفسیر» هم که با روش ساختاری و مبتنی بر نظریه «وحدت موضوعی» تدوین شده است (حوی، ۱۴۲۴: ۲۱/۱)، ساختار و غرض سوره در آن بسیار مورد توجه است. اما در همه این تفاسیر، از نقش سیاق نخست در کشف غرض و بررسی مبانی آن، هیچ سخنی به میان نیامده است.

از این دست آثار، پژوهش‌های دیگری نیز انجام شده است که غرض سور را مورد توجه داشتند، ولی به رتبه، جایگاه و اهمیت سیاق نخست سوره و مبانی آن چشمی نداشتند. مهم‌ترین این پژوهش‌ها عبارت‌اند از: «المنهج البنائی فی التفسیر»، «درس‌نامه روش تدبیر در قرآن»، «درس‌نامه تدبیر ترتیبی در قرآن»، «ساختار هندسی سوره‌های قرآن»، «احسن الحديث»، «فی ظلال القرآن»، «تفسیر المنار»، «أهداف كل سورة و مقاصدها»، «تناسق الدرر فی تناسب السور»، «المدخل إلى دراسة القرآن الکریم»، «المجتمع الاسلامی کما تنظمه سورة النساء»، «الوحدة الموضوعية فی القرآن الکریم»، «نظم الدرر

از معانی لغوی و اصطلاحی مذکور برمی‌آید که سیاق ناشی از ارتباط و پیوستگی معنایی میان اجزای متن است که در اثر هم‌نشینی اجزای متن به وجود می‌آید و معانی جدید اضافه بر معانی لغوی به آن‌ها القا می‌کند. این هم‌نشینی و پیوستگی میان اجزای متن نوعی تناسب، تألیف و وحدت موضوعی میان آن‌ها ایجاد می‌کند (علوی‌مهر، ۱۳۸۱: ۳۳۵) که منحصر به فرد است و آن‌ها را از متون دیگر متمایز می‌کند. همین تناسب و وحدت موضوعی باعث می‌شود که آیات برخوردار از این ویژگی را بتوان در یک سیاق جای داد. از این‌رو به تعداد آیاتی که از تناسبی خاص و وحدت موضوعی برخوردار می‌باشند، سیاق گفته می‌شود. در واقع سیاق چون حلقه‌ اتصال است که آیات مجاور را به هم وصل می‌کند و این حلقه اتصال خود، برآمده از عناصر و مؤلفه‌هایی چون ارتباط لفظی (ریشه‌ای، وزنی و ...) و ارتباط معنایی (هم‌خانودگی معنایی، وحدت موضوعی و ...) میان اجزا می‌باشد. گفتنی است که این ارتباط و پیوستگی آن‌قدر محکم و وثیق است که نمی‌توان یک لفظ را جدای از جمله‌اش معنا و نه یک جمله را جدای از مجموعه‌اش لحاظ کرد (شاکر، ۱۳۷۶: ۳۰۱).

در قالب سوره، نخستین سیاق به آیات ابتدایی سوره گفته می‌شود که نوعی ارتباط و پیوستگی لفظی و معنایی میان واژه‌ها و جملات آن آیات وجود دارد و از این سیاق به صدر (سعیدی روشن، ۱۳۷۹: ۲۶۷)، مطلع (معرفت، ۱۴۱۵: ۲۴۶/۵) و آیات ابتدایی سوره یاد می‌شود.

اهمیت سیاق نخست سوره از پیشوایان دین و بزرگ‌ترین مفسران قرآن ال‌گوگیری شده است که گاه در اعتراض به رفتار مسلمانان با قرآن، آنان را به بی‌توجهی به مطلع سوره توبیخ نمودند: «... عن الصادق (علیه السلام) قال: إن الله بعث محمدا، ... ولم ينظروا إلى ما يفتح الكلام، وإلى ما يخته، ولم يعرفوا موارد ومصادره، ... ونیزوا قول رسول الله (صلی الله علیه وآله) وراء ظهورهم. الحديث» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۲۰۱/۲۷) در این روایت، امام برخی از قرآن‌خوان‌ها را به عدم توجه به افتتاحیه، مطلع سوره و سیاق نخست متهم می‌کنند و همین بی‌توجهی به سیاق نخست، باعث می‌شود فهم نادرست یا نادقیقی از سوره دستگیر آن‌ها شود و به بدفهمی یا فهم نادقیق گرفتار آیند.

این بدفهمی یا فهم نادقیق، ناشی از این است که بخش ویژه-ای از مفاهیم در مطلع سوره و سیاق نخست ذکر شده است و همه یا بخش ویژه‌ای از غرض سوره در سیاق نخست جای داده شده است. پس با توجه به همراهی غرض سوره با سیاق نخست (مطلع) (معرفت، ۱۴۱۵: ۲۴۶/۵) می‌توان نتیجه گرفت که سیاق نخست از رتبه و جایگاه بالایی در ساختار سوره برخوردار است و بخشی مهم یا گاه همه غرض سوره را می‌توان در این سیاق جست‌وجو کرد.

۲،۳ محور

در این پژوهش، از اصطلاح «محور» به فراوانی استفاده می‌شود و منظور از آن، موضوع و مفهوم اصلی است که در هر سیاق موجود است و سیاق بدان تکیه دارد. از زاویه‌ای دیگر، محور در هر سیاق، آن مفهوم کلیدی و بنیادینی است که همه

فی تناسب الآيات و السور» و «التحرير و التنوير». همچنین اخیراً مقالات و پایان‌نامه‌هایی پیرامون مطالعات تدبیری و تفسیر ساختاری تدوین شده است که با استفاده از روشی منطقی، غرض سور مختلف را شناسایی کردند؛ ولی در هیچ‌یک از آن‌ها، کاربری ویژه سیاق نخست در تشخیص غرض مورد توجه نبوده است و به مبانی و پیش‌فرض‌های این کاربری پرداخته نشده است. نمونه را می‌توان به «اعتبارسنجی رهیافت‌های کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن»، «کشف استدلالی ساختار و غرض سوره مبارکه احزاب» و «ساختار معنایی سوره احزاب و جایگاه آیه تطهیر در آن» اشاره کرد.

۲ مفاهیم

مهم‌ترین مفاهیم به‌کاررفته در این پژوهش عبارت‌اند از:

۲،۱ غرض سوره

غرض سوره اصطلاحی تفسیری است که معنای جامع سوره را مشخص می‌کند. منظور از معنای جامع، معنایی است که همه معانی مذکور در سوره را در برمی‌گیرد و با آن‌ها نوعی ارتباط مفهومی برقرار می‌کند. از این‌رو، برخی غرض سوره را روح کلی حاکم بر سوره دانسته‌اند (خامه‌گر، ۱۳۸۶: ۱۶۱) که از تجمیع همه موضوعات به‌کاررفته در سوره به دست می‌آید (لطفی، ۱۴۱۰: ۲۵۶). این اصطلاح با عناوینی دیگر چون هدف سوره، موضوع اصلی، مقصد سوره و ... نیز به کار می‌رود.

عناصر و مؤلفه‌های معنایی غرض سوره این است که غرض سوره باید مفهومی بزرگ و مهم باشد. منظور از بزرگی، این است که غرض سوره بتواند دیگر مفاهیم مذکور در سوره را فراگیرد و با همه آن‌ها ارتباط مفهومی برقرار کند. از همین رو، هماهنگی و هم‌سویی دیگر معانی سوره با غرض، از ابزارهای فهم و تفسیر قرآن است (ن.ک: خامه‌گر، ۱۳۸۶: ۱۹۰) و منظور از مهم‌بودن غرض، این است که آن غرض، در سوره مذکور مهم تلقی شده است و در هندسه معارف دینی از جایگاه والایی برخوردار می‌باشد.

۲،۲ سیاق

سیاق در لغت به معنای راندن، اسلوب، روش، طریقه، طرز جمله‌بندی (معین، ۱۳۷۵: ۱۹۶۷/۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۱۷/۳) روند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۳۶۰/۱؛ خامه‌گر، ۱۳۸۶: ۱۱۹) یا بافت سخن (سلوی، ۱۳۸۲: ۴) و ... به کار می‌رود و در اصطلاح به جو (فولادوند، ۱۳۸۰: ۳۰۷) و فضای حاکم بر متن اعم از کلمات، جملات و آیات (ن.ک: رجبی، ۱۳۸۳: ۹۲) یا سیر و جریان کلی متن (نجار، ۱۳۸۱: ۶۲) گفته می‌شود که نسبت به هر جمله در اثر جملات پیشین و پسین به وجود می‌آید (مصباح، ۱۳۹۱: ۳۶۰/۱) و بر معنا اثر می‌گذارد. اثرگذاری سیاق بر معنا بدین‌صورت است که جهت معنایی خاصی به متن می‌بخشد (شاکر، ۱۳۸۲: ۱۹۶) چنانکه برخی این جهت‌دهی معنایی را دستاورد مجموعه‌ای از قرائن و نشانه‌های حاضر در متن دانسته‌اند (ن.ک: اوسی، ۱۳۸۱: ۲۰۳؛ فقهی‌زاده، ۱۳۷۴: ۱۱۸) که این قرائن و نشانه‌ها در کنار هم سیاق را تشکیل می‌دهند.

... ونبذوا قول رسول الله (صلی الله علیه وآله) وراء ظهورهم. الحديث» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۲۷/۲۰).

اینکه امام صادق علیه السلام در تفسیر و فهم قرآن به آغاز کلام‌های الهی توجه دارند و از بی‌توجهی به آن هشدار می‌دهند، نشان از اهمیت و ارزشمندتری آغازهای سور قرآن دارد. اگر آغازهای سور را حمل بر سیاق کنیم که کوچک‌ترین واحدهای معنادار مستقل در سوره هستند، این روایت، اهمیت و ارزشمندتری سیاق نخست را در فهم سوره به‌روشنی پدیدار می‌سازد و متدبر را به فهم سیاق نخست، پیش و بیش از همه سیاق‌ها فرامی‌خواند. بنابراین توجه معصوم به سیاق نخست سوره، حاکی از ارزشمندتری این سیاق است و توجه به آن لازم و ضروری قلمداد شده است.

ممکن است از حدیث مذکور این‌گونه برداشت شود که معصوم علیه السلام با تعبیر «ولم ينظروا إلى ما يفتح الكلام، وإلى ما يختمه» سر تا سر سوره را نشانه رفته‌اند و به سیاق نخست سوره هیچ توجهی ندارند. این برداشت اگرچه برداشت درستی از روایت است و تدبر در سوره نیازمند بررسی سرتاسر سوره می‌باشد، اما تعارضی میان این برداشت با ارزشمندی سیاق نخست سوره دیده نمی‌شود. بلکه میان آن دو، نوعی رابطه عام و خاص برقرار است که هم بررسی سرتاسری سوره را توجه می‌دهد و تعبیر «ما يفتح الكلام» همچنین، ارزشمندی سیاق نخست سوره را تصریح می‌کند. درواقع، ارزشمندی سیاق نخست سوره بدین دلیل است که مهم‌ترین مفاهیم سوره را بیان و جایگاه مفاهیم بعدی را تبیین می‌کند. وانگهی چنانچه سیاق نخست مورد توجه جدی قرار نگیرد و ارزشمندی آن لحاظ نگردد، فهم جایگاه مفاهیم بعدی با دشواری مواجه خواهد شد و تشخیص غرض سوره به‌درستی و دقت مطلوب انجام نخواهد گردید.

ناگفته نماند که سیاق نخست در سوره‌های قرآن، موقعیت‌ها و جایگاه‌های گوناگونی به خود اختصاص می‌دهند. گاه در جایگاه سیاق هم‌ارز و هم‌تراز با دیگر سیاق‌های سوره قرار می‌گیرد. سیاق نخست در سوره‌های کوتاه^۱ معمولاً با دیگر سیاق‌ها هم‌ارز می‌باشد. اما در برخی سور، سیاق نخست از جایگاه اصیل‌تر و محوری‌تری برخوردار است و با همه سیاق‌های سوره هم‌ارزی و هم‌ترازی می‌کند. در این حالت، سیاق نخست به فصل اول سوره یاد می‌شود. جایگاه محوری سیاق نخست را می‌توان معمولاً در سوره‌های نسبتاً مفصل قرآن پیدا کرد.

اگر سیاق نخست با دیگر سیاق‌ها هم‌ارز باشد، موضوع و مفاهیم به‌کاررفته در سیاق نخست از جایگاه بنیادی‌تر و زیرساختی‌تری برخوردارند. گویی هر سیاق، جزئی از ساختار سوره را عرضه می‌کند؛ اما سیاق نخست جزء محوری‌تری را ارائه می‌دهد.

و در صورتی که سیاق نخست هم‌ارز همه سیاق‌های سوره باشد و فصل نخست سوره قلمداد گردد، سیاق نخست با دیگر سیاق‌ها مقایسه نمی‌شود؛ بلکه در برابر همه دیگر سیاق‌های

مفاهیم به‌کاررفته در سیاق با آن در ارتباط هستند و هویت خود را در سایه محور اخذ می‌کنند و تابعی از آن شمرده می‌شوند.

۲،۴ مبانی

مبانی جمع واژه مبنا و در دانش لغت به بنیاد و اساس (معین، ۱۳۷۵: ۳/۳۷۷۷)، ابتدا، اول و پایه (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۲/۱۷۷۵۸) گفته می‌شود و در اصطلاح، گزاره‌های بنیادین و زیرساختی هستند که هم جواز و حقانیت یک دانش یا موضوع علمی را اثبات و هم پس‌زمینه‌های ذهنی شخص عالم را ثابت می‌کنند (روحی، ۱۳۹۴: ۱۰۳). درواقع، مبانی می‌توانند هویت علمی ایده مذکور را ثابت می‌کنند و به این سؤال پاسخ می‌دهند که «چرا رد پای غرض سوره در سیاق نخست دیده می‌شود؟».

۳ چستی «جایگاه ویژه سیاق نخست»

سیاق نخست از رتبه، جایگاه و اهمیت بیشتری نسبت به دیگر سیاق‌های سوره برخوردار است؛ زیرا این سیاق در پیشانی سوره قرار گرفته است و خدای متعال مهم‌ترین و اساسی‌ترین مفاهیم مورد نظر خود را در آن جای داده است و دیگر مفاهیم به‌کاررفته در سیاق‌های دیگر، مؤید، تبیین‌کننده یا تکمیل‌کننده همان مفاهیم به‌کاررفته در سیاق نخست هستند. این مفاهیم به‌کاررفته در سیاق نخست، به نوعی موضوع کلی سوره را طرح و شاکله اساسی سوره را بیان می‌کنند. اما آیا در منابع نقلی، عقلی، علمی و ... از سیاق نخست سوره، سخنی به میان آمده است؟ و آیا دیگر منابع، بر نقش و اهمیت بالای این سیاق تأکید داشته‌اند؟ این دست سؤالات و دیگر سؤالات مشابه و نظیر، پرسش‌هایی هستند که مبانی و پیش‌فرض‌های ایده مذکور بدان پاسخ خواهد گفت.

۴ مبانی و پیش‌فرض‌ها

مبانی نخستین و بنیادی‌ترین گزاره‌هایی هستند که هویت و حقانیت علمی هر ایده و مدعایی را ثابت می‌کنند. این گزاره‌های بنیادی معمولاً از منابع گوناگون نقلی و عقلی استنباط می‌گردند. مهم‌ترین مبانی این ایده عبارت‌اند از:

۴،۱ توجه ویژه معصوم علیه السلام به سیاق نخست

سیاق نخست آن‌قدر مهم و اثرگذار است که ائمه علیهم السلام بدان توجه داشتند و ویژه بدان نگاه کردند. روایتی از امام صادق علیه السلام گزارش شده است که امام از بی‌توجهی به آغاز و پیام کلام‌های قرآنی هشدار دادند. این روایت، چنین نقل شده است:

عن إسماعيل بن جابر، عن الصادق عليه السلام قال: إن الله بعث محمداً، ... ولم ينظروا إلى ما يفتح الكلام، وإلى ما يختمه،

^۱ ن.ک: سوره مبارکه «شمس» و «عادیات».

سیاق از هویت مفهومی کامل و جامعی برخوردار است که با هویت مقدمه صرف سازگار نیست.

۴،۳ انتظار زیاد مخاطب جهت آشنایی با مفهوم کانونی سوره

در تدبر سوره‌ای، مخاطب با موضوعات و مفاهیم گوناگونی مواجه است. او در همان ابتدای سوره، انتظار دارد که موضوع اصلی و مفهوم کانونی را دریابد تا بتواند فهم منظم‌تر و دقیق‌تری از دیگر موضوعات و مفاهیم به دست آورد. گو اینکه، عدم پاسخ‌گویی به این انتظار، مخاطب را در کشف ارتباط موضوعات و مفاهیم مذکور در سوره ناتوان می‌سازد و مواجهه ذهن مخاطب با موضوعات و مفاهیم زیاد و پراکنده، تشویش ذهنی را در او رقم می‌زند و این تشویش، زمینه خستگی و زدگی از مطالعه قرآن را فراهم می‌سازد. جهت جلوگیری از این آسیب جدی، ضروری است موضوع اصلی و مفهوم کانونی که همان محور سوره است، در همان سیاق نخست معرفی شود تا مخاطب با دریافت محور سوره، جایگاه دیگر موضوعات و مفاهیم مذکور در سوره را دریابد و فهمی منظم و یکپارچه از سوره پیدا کند. از این‌رو در دانش بلاغت، اسلوبی به نام «براعت استهلال» تعریف شده است که متکلم را فرامی‌خواند تا سخن خود را به گونه‌ای آغاز کند که هم در مخاطب، آمادگی ایجاد کند و هم اشارتی باشد به آن چه مقصود اصلی کلام است (قانعی، ۱۳۸۶: ۸۵). بنابراین قرآن که خود منبع و مصدر اسلوب‌های ادبی و زبانی است، براعت استهلال را در ساختار سوره رعایت کرده و در سیاق نخست، محور (مقصود اصلی) را به آگاهی مخاطب رسانده است.

مطالعه تدبری سوره‌های قرآن کریم نشان می‌دهد که سوره‌ها با مطلع‌های ویژه‌ای آغاز می‌شوند. ویژگی مطلع‌های سوره‌ها بدین است که از فصاحت و جذابیت لفظی و بلاغت معنایی بالایی برخوردار هستند. برای نمونه می‌توان به جایگاه حروف مقطعه در سوره‌ها اشاره نمود که همیشه در آغاز سوره‌ها دیده می‌شوند. حضور حروف مقطعه در آغاز سوره و سیاق نخست، می‌تواند بدین دلیل باشد که سوره با جذابیت لفظی بالایی آغاز شود. فایده این جذابیت بالای سیاق نخست، نه تنها براعت استهلال سوره را فنی‌تر و دقیق‌تر می‌سازد؛ بلکه فراتر از آن، تصویری متفاوت از سوره در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند تا مخاطب ارتباط بیشتری با سوره بگیرد.

۴،۴ اشتغال ذهن مخاطب با مفاهیم فرعی

از مبانی سلبی ایده مذکور، این است که در صورت نبود غرض سوره در سیاق نخست، ذهن مخاطب با مطالعه این سیاق با موضوعات و مفاهیم فرعی مشغول می‌شد و اشتغال ذهن به مفاهیم فرعی باعث می‌شود که آمادگی ذهن برای دریافت غرض سوره کاهش یابد و دریافت دقیقی از غرض نداشته باشد. از این‌رو، جهت جلوگیری از رویداد این آسیب، لازم و ضروری است که غرض سوره در همان سیاق نخست رونمایی شود و ذهن در اولین مواجهه با سوره، همه یا بخش ویژه‌ای را از آن دریافت کند.

سوره می‌ایستد و موضوعات و مفاهیمی را ارائه می‌کند که بدنه اصلی و زیرساختی سوره را به نمایش می‌گذارند. در این سوره‌های نسبتاً مفصل، معمولاً دو فصل قابل تعریف است که فصل اول، همان سیاق نخست سوره می‌باشد و همه دیگر سیاق‌ها، فصل دوم سوره را به تصویر می‌کشند.^۱

۴،۲ ارزشمندتری سیاق نخست نسبت به دیگر سیاق‌ها

مهم‌ترین مبنای زبانی ایده مذکور، ارزشمندتری زبانی سیاق نخست نسبت به سیاق‌های میانی و پایانی است. منظور از ارزشمندتری، این است که سیاق نخست حاوی مفاهیم مهم‌تری نسبت به دیگر سیاق‌ها است و ارتباط بیشتری با غرض سوره دارد. چنانکه برخی از قرآن‌پژوهان به این ارزشمندتری و ارتباط بیشتر سیاق نخست با غرض سوره اذعان می‌نمایند و غرض سوره را در مطلع نخست جست‌وجو می‌کنند (خامه‌گر، ۱۳۸۶: ۱۵۷؛ بی‌آزار، ۱۳۷۶: ۲۶۹). این ارزشمندتری برخاسته از سبقت ذکر سیاق نخست نسبت به دیگر سیاق‌ها است. اینکه سیاق نخست در پیشانی سوره قرار می‌گیرد و پیش از همه سیاق‌ها عرضه می‌شود، دلیل محکمی بر اهمیت و ارزشمندتری آن نسبت به دیگر سیاق‌ها است.

سیاق نخست، اولین واژه‌ها، عبارات و آیاتی است که خدای متعال آن‌ها را گزینش کرده است و از آنجاکه افعال خداوند، افعالی هدفمند و حکیمانه است، این گزینش نیز هدفمند و حکیمانه است و حکمت آن در ارزشمندتری آن‌ها نسبت به دیگر سیاق‌ها است.

اگر از دریچه دانش بلاغت بدین موضوع نگاه کنیم، سیاق نخست سوره، همان مطلع سوره است که زیبایی و بلاغت سخن (سوره) تا حد زیادی بدان بستگی دارد. سخن‌گو و نویسنده زبردست در ورود به مقصود، از خود حسن‌سلیقه و هنر نشان می‌دهد تا هم در شنونده آمادگی ایجاد کند و هم اشاراتی باشد به آن چه مقصود اصلی کلام است (خامه‌گر، ۱۳۸۶: ۱۳۶). از این‌رو، معمولاً آیات نخستین هر سوره، خلاصه‌ای از مهم‌ترین مطالب آن را بیان می‌کند (همان، ۱۳۷).

گفتنی است که مبنای علمی ارزشمندتری سیاق، این است که ترتیب آیات در سور قرآن، ترتیبی توقیفی است (زرکشی، ۱۴۱۰: ۳۵۳/۱) و چینش آیات به امر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله انجام شده است.

ممکن است این ایراد مطرح شود که سیاق نخست سوره، گاه در جایگاه زمینه‌سازی و مقدمه‌چینی برای سیاق‌های بعدی قرار دارد و خود حاوی غرض سوره یا بخشی از آن نیست. در پاسخ بدین ایراد باید گفت که ایراد مذکور از ذهنی برمی‌خیزد که شناخت دقیقی نسبت به سیاق ندارد. سیاق به مجموعه‌ای از آیات و دسته آیات گفته می‌شود که یک بسته کامل محتوایی را تشکیل می‌دهند و یک بسته کامل محتوایی، خود شامل مقدمه (مطلع)، بدنه و مؤخره (مقطع) می‌باشد و نمی‌تواند تنها مقدمه برای سیاق‌های بعدی قرار گیرد. درواقع،

^۱ ن.ک: سوره مبارکه «نور» و «رحمان».

۵ نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه کشف غرض سوره تحت تأثیر عناصر و مؤلفه‌های گوناگون انجام می‌شود، توجه ویژه به سیاق نخست سوره می‌تواند تا اندازه زیادی کشف غرض سوره را تسریع و تدقیق نماید.

راه ساده و میان‌بر جهت رسیدن به همه یا بخشی ویژه از غرض سوره، توجه به سیاق نخست و کشف محور آن سیاق است.

سیاق نخست، جایگاهی اصیل و مهم در ساختار سوره دارد و در مطالعات زبانی و ادبی با عنوان «مطلع»، «دیباچه»، «سراغاز» و «مقدمه» مورد توجه است.

ایده «جایگاه سیاق نخست در کشف غرض سوره» بر مبانی و پیش‌فرض‌های گوناگون نقلی، عقلی و علمی استوار است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

«توجه ویژه معصوم علیه‌السلام به سیاق نخست».

«ارزشمندتری کلامی، زبانی و علمی سیاق نخست نسبت به دیگر سیاق‌ها».

«انتظار مخاطب جهت آشنایی با مفهوم کانونی سوره پیش از هر مفهوم دیگر».

«اشتغال ذهن مخاطب با مفاهیم فرعی».

«ابتنای این ایده بر دیدگاه پیوستگی آیات در هر سوره».

مبانی مذکور از زوایای گوناگون روایی، زبانی، مخاطب-شناختی و علمی، حقانیت ایده «جایگاه سیاق نخست در کشف غرض سوره» را اثبات می‌کنند.

سیاق نخست به اندازه جایگاهش می‌تواند در فهم سوره و کشف غرض آن اثرگذار باشد. در صورتی که سیاق نخست هم ارز و هم تراز با دیگر سیاق‌ها باشد، اندازه اثرگذاری اش در قامت یک سیاق می‌باشد. اما چنانچه سیاق نخست در جایگاه فصل نخست سوره بنشیند و با همه دیگر سیاق‌های سوره هم تراز کند، اندازه اثرگذاری اش در فهم سوره و کشف غرض آن بسیار بالاتر خواهد بود.

توجه بدین مینا در مطالعات تدبری، نه‌تنها ذهن متدبر را نظم و سامان خاصی می‌بخشد؛ همچنین بخش بیشترین و مهم‌تری را از سوره به مخاطب می‌دهد که در فهم سوره بسیار اثرگذار می‌باشد و انگیزه را برای تدبر تا پایان سوره فراهم می‌سازد.

۴، ۵. ابتدای ایده بر نظریه پیوستگی آیات در هر سوره

از دیگر خاستگاه‌ها، نظریه پیوستگی آیات سوره‌ها است. در این نظریه، سوره بسان مجموعه‌ای منظم و هدفمند تعریف می‌شود و اجزای سوره با یکدیگر ارتباط مفهومی برقرار می‌کنند. به‌گونه‌ای که ابتدا و پایان کلام، حول محوری واحد با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند (سیوطی، ۱۴۲۱: ۲/ ۲۱۷) این ارتباط و اتصال در روایات نیز مورد توجه بوده است.^۱

ارتباط و تناسب میان آیات آغازین و پایانی نشان می‌دهد که آیات آغازین و پایانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند و البته آیات آغازین به جهت سبقت ذکر اهمیت مضاعف می‌یابند. این اهمیت برخاسته از اشتغال آیات آغازین بر مفاهیم اصلی سوره می‌باشد که ایده مذکور از این آیات جهت کشف غرض سوره استفاده می‌کند.

با توجه به آن چه گفته شد، ایده مذکور از توابع و نتایج دیدگاه «پیوستگی آیات در سوره‌ها» است و با این دیدگاه کاملاً مطابقت و همراهی دارد. مطابقت و همراهی ایده «جایگاه سیاق نخست جهت کشف غرض سوره» با دیگر نظریه‌های علمی، تأییدکننده و تأکیدکننده حقانیت و هویت علمی ایده مذکور می‌باشد که می‌توان در مطالعات و پژوهش‌های علمی بدان اعتماد نمود.

گفتنی است که توجه به پیوستگی آیات، ظرفیت بالایی در حل مسائل علمی و اجتماعی دارا می‌باشد که در دیگر روش‌های فهم قرآن کمتر دیده می‌شود. حال آنکه روش تدبر با ابتدای بر پیوستگی لفظی و معنایی آیات در سور، این ظرفیت را تا اندازه زیادی در خود ایجاد کرده است.

من تفسیر القرآن، وإن الآية يكون أولها في شيء وآخرها في شيء، وهو كلام متصل متصرف على وجهه. (عاملی، ۱۴۱۴: ۲۷/ ۱۹۲-۱۹۳).

۱. ن.ک: عن جابر بن يزيد قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن شيء من التفسير فأجابني ثم سأله عنه ثانية فأجابني بجواب آخر فقلت: كنت أجبتي في هذه المسألة بجواب غير هذا، فقال: يا جابر! إن للقرآن بطناً وللبطن بطناً وله ظهر، وللظهر ظهر، يا جابر! وليس شيء أبعد من عقول الرجال

منابع

- قرآن کریم.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبد السلام محمد هارون، قم: مكتبة الإعلام الإسلامي.
- اوسی، علی (۱۳۸۱)، روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ترجمه سید حسین میرجلیلی، تهران: بین-الملل.
- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۷۶)، قرآن ناطق، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- حوّی، سعید (۱۴۲۴)، الاساس فی التفسیر، قاهره: دار السلام.
- خامه‌گر، محمد؛ نقی زاده، حسن؛ رضایی کرمانی، محمدعلی (۱۳۹۵)، اعتبارسنجی رهیافت‌های کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن، پژوهش‌های قرآنی، ش ۷۹: ۴-۲۵.
- خامه‌گر، محمد (۱۳۸۶)، ساختار هندسی سوره‌های قرآن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- رجبی، محمود (۱۳۸۳)، روش تفسیر قرآن، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- روحی دهکردی، احسان؛ تجری، محمدعلی (۱۳۹۴)، اصطلاح‌شناسی مبانی تفسیر، پژوهش‌های قرآنی، ش ۷۷: ۹۴-۱۱۷.
- زرکشی، محمد (۱۴۱۰)، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دارالمعرفة.
- سعیدی روشن، محمد باقر (۱۳۷۹)، علوم قرآن، قم: مؤسسة آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- سلوی، محمد عوا (۱۳۸۲)، بررسی زبان‌شناختی وجوه و نظایر در قرآن، ترجمه سید حسین سیدی، مشهد: به-نشر.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۲۱)، الإقتان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتب العربی.
- شاکر، محمدکاظم (۱۳۷۶)، روش‌های تأویل قرآن، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۲)، مبانی و روش‌های تفسیری، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الاعلمی.
- علوی‌مهر، حسین (۱۳۸۱)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، قم: اسوه.
- فقهی‌زاده، عبدالهادی (۱۳۷۴)، پژوهشی در نظم قرآن، تهران: جهاد دانشگاهی.
- فولادوند، محمد مهدی (۱۳۸۰)، قرآن‌شناسی، تهران: الست فردا.
- قانع، علی (۱۳۸۶)، تناسب آیات، معرفت، ش ۱۲۲: ۹۸-۷۹.
- لطفی صباغ، محمد (۱۴۱۰)، لمحات فی علوم القرآن و اتجاهات التفسیر، بیروت: مكتب الإسلامی.
- مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹)، من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین.
- مراغی، احمد مصطفی (بی‌تا)، تفسیر المراغی، بیروت: دار الفکر.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۱)، قرآن‌شناسی، تحقیق محمود رجبی، قم: مؤسسة امام خمینی.
- معرفت، محمد هادی (۱۴۱۵)، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۸۱)، علوم قرآنی، قم: مؤسسة فرهنگی التمهید.
- معین، محمد (۱۳۷۵)، فرهنگ معین، تهران: امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- نجار، علی (۱۳۸۱)، اصول و مبانی ترجمه قرآن، رشت: کتاب مبین.